

در رنج گرسنگی نیندازد و در برابر هم‌سن و سالان و اطرافیان و مردم دورانش به نگاه حقارت و ذلت نگریسته نشود، همه این نکات بعنوان وظیفه فرد، مورد قبول همگان قرار گرفته‌اند.

در سطوح ملی نیز باید چنین اندیشیده شود و اذعان کنیم که اهمیت این‌گونه اندیشه در سطح ملی به مراتب بیشتر از اهمیت آن در سطوح فردی است. ملت و مصالح جهان اسلام از نابود شدن، گرسنه ماندن، ذلیل و حقیر شدن فرد، متضرر نمی‌شود، به تمدن، فرهنگ، هویت ملی گزند نمی‌رسد. اما این رخدادها در سطوح ملی زمینه‌ساز فساد، فتنه و از بین رفتن هویت و تشخص ملی خواهند بود. خداوند می‌فرماید: «الا تفعلوه تکن فتنة فی الارض و فساد کبیر»؛ (۳) اگر به وظیفه‌ی ملی خود عمل نکردید فساد و فتنه عظیم در انتظار شما خواهد بود.

تعداد بسیار معدودی از مسلمانان که از مکه به مدینه مهاجرت کرده بودند، خداوند خطاب به آنها فرمود: «اگر شما برادری، برابری و مساعدت و همیاری را انجام ندهید، فساد و فتنه بزرگ همه جا را فرا می‌گیرد و انسانیت با آینده‌ای بس تاریک و مایوس‌کننده مواجه خواهد شد. مخاطب این سخنان ارزشمند مؤمنانی بودند که آمار آنها از چهار هزار تجاوز نمی‌کرد.

باید بپذیریم، آن‌چه را که باید به مسلمانان به عنوان یک ملت داده می‌شد، خداوند به کمال و تمام به آنان داده است.

اما وظیفه‌ای که مسلمانان بایستی انجام می‌دادند، هنوز انجام نگرفته است و بر عهده آنان باقی است. همانطور که خداوند اجتماع، خانواده، قانون، والدین و ضمیر و وجدان هیچ فردی را معطل و بری‌الذمه قرار نداده است، مجموع مسلمانان من حیث ملت نیز بری‌الذمه نیستند. چه کسی این ضمانت را به مسلمانان من حیث ملت داده است که آنچه که به شما دادنی بود، داده شده است و شما مسئولیتی ندارید؟! هر گونه که بخواهید زندگی کنید؟ هر گونه خطری، دین، اعتقاد، هویت و وجود ملی شما را تهدید کند، شما مسئولیتی ندارید، همه کارها را من انجام می‌دهم؟ چنین تعهد و ضمانتی خداوند به پیامبر ﷺ نیز نداده است. و گر نه چه نیازی بود که رسول الله ﷺ در برابر یک لشکر هزار نفری تا دندان مسلح، با ۳۱۳ تن به میدان نبرد برود؟

## صهیونیسم، جهان اسلام و رسالت ملی مسلمانان

آیت‌الله نذیر احمد سلامی  
استاد دارالعلوم زاهدان

بزرگترین خطر و عامل نابودی و از بین رفتن یک نظام و سیستم قانونی، فقدان آگاهی و عدم آشنایی جمعی پیروان آن نظام نسبت به آن است. اسلام در تعلیمات و احکام خود هم فرد و هم جامعه را مخاطب خود قرار می‌دهد.

اگر فرد به وظایف فردی خود عمل نکند، ارتباط اجزایش از کل - جسم - دچار خلل شده و کل - جسد - از بین خواهد رفت و صلاحیت بقایش را از دست خواهد داد. همانطور که خداوند به فرد وجود داده، جسم به او عنایت شده و توانایی‌های بالفعل و بالقوه به وی داده شده است. به ملت، اجتماع و جامعه، ایمان داده است؛ پیامبری مانند رسول الله ﷺ به آن عنایت شده، قرآن و کتاب آسمانی برایش فرستاده شده و یک نظام شریعت، فرهنگ، تمدن و معاشرت و یک سیستم زندگی کامل و مدون به آن عنایت شده است. همراه با این مواهب و برتر و بهتر از همه اینها، یاری و توفیق الهی است که شامل حال بندگان است.

اما وظیفه جمعی مسلمانان، بعد از همه این عنایات پروردگار، این است که مانند فرد، وجود جمعی خود را حفاظت کنند. همانطور که بر فرد ضروری است که وجود خود را از سوختن در آتش، غرق شدن در آب نجات دهد و اگر کسی به او غذای مسموم بدهد، نخورد و اگر در اثر غفلت از چنین غذایی استفاده کرد، برای نجات از آثار منفی آن تمام سعی و تلاش را به خرج دهد؛ با رفتن به دنبال سواد و تحصیل، جهالت و بی‌سوادی را از خود بزاید؛ با پرهیز از خوردن، بدنش را

✓ وظیفه‌ای که

مسلمانان

بایستی انجام

می‌دادند، هنوز

انجام نگرفته

است و بر عهده

آنان باقی است.



فاتحانه وارد فلسطین شد و با کوبیدن پا بر مزار سلطان صلاح‌الدین ایوبی، گفت: «صلاح‌الدین، ما دوباره به سرزمین مفتوحه تو آمده‌ایم».

این کلمات از غرور و تکبر یک فاتح نشأت نگرفته است، بلکه در واقع این کلمات مظهر حس انتقام‌جویی است که از آغاز نهضت محمدی علی صاحبها الصلوة و السلام در قلب و عروق یهود و ایادی آن ریشه دوانیده بود. روی این حساب، یهود و ایادی آن از همان روز نخست در طراحی و توطئه علیه اسلام و مسلمین مذبحخانه تلاش می‌کنند و اندک فرصتی را نیز در این مجال از دست نمی‌دهند.

در سال (۱۹۴۸ م) در سرزمین مقدس فلسطین کشوری بنام اسرائیل اعلام موجودیت کرد. از آن تاریخ تا امروز جهان اسلام در آتش می‌سوزد. در پی اعلام وجود این فرزند نامیوم استعمار و استکبار، تاکنون چندین جنگ و چندین انقلاب رخ داده است. امکانات انسانی و مادی بسیار زیادی بجای اینکه برای عمران و آبادی و رفاه توده‌ها صرف شود، متوجه جریان‌های دفاعی شده است. جنگ‌های بسیار مخرب و تمام‌عیاری در سالهای: (۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ م) میان اعراب و رژیم اشغالگر اسرائیل صورت گرفته است. آتشی که در جریان انتفاضه بیت‌المقدس شروع شده است و جنایاتی که توسط شارون خونخوار و بوش مدهوش انجام می‌گیرد، آثار مخرب و انسان‌سوز آن برای همگان واضح است.

در پی جنگ سال ۱۹۶۷ م، بیت‌المقدس بعد از هفتصد سال بار دیگر از دست مسلمانان بیرون رفت؛ جهان اسلام از آن تاریخ به بعد دچار احساس شکست گردید. یهودی‌ها بعد از تشکیل حکومت در سرزمین فلسطین همواره بر مقاصد تجاوزکارانه خود افزوده‌اند. در همان آغاز، در دوران اعلام آتش‌بس موقت، بیش از آنچه که در قطعه‌نامه تقسیم فلسطین از جانب سازمان ملل به آنان داده شده بود، مناطقی را تصرف کردند. در سال ۱۹۵۶ م در جریان حمله مثلث اسرائیل، بریتانیا و فرانسه، رژیم اشغالگر تمام صحرای سینا را به اشغال خود در آورد. ولی تا آن زمان صهیونیست‌ها اثر و نفوذ بسیار زیادی بر آمریکا نداشتند و رئیس‌جمهور وقت آمریکا «ایزن‌هاور» بلافاصله اسرائیل را به عقب نشینی از صحرای سینا فرا خواند. این مسأله برای یهودی‌ها فوق‌العاده سنگین تمام

باید بپذیریم که خداوند کارش را انجام داده است، اکنون ما مسلمانان به وظیفه خود عمل کنیم. خداوند دین، سرمایه ایمان، ایمان به آخرت، محبت، شریعت، نماز، روزه، حج، همه و همه چیز داده است، اما مسئولیت حفاظت و حراست از ملت، دین و ایمان، رسالت ما مسلمانان است.

کتاب خدا که برای انسانیت، به مثابه روح در جسد می‌باشد، حفاظت و پاسداری از آن، مسئولیت ملت مسلمان است. وظیفه حفظ هویت ملی بر عهده خود ملت است.

ایجاد شایستگی جلب نصرت خداوند، در ملت بر عهده خود ملت است. اگر مسلمانان من حیث ملت رسالت حفظ تشخص و هویت ملی را بر عهده بگیرند، فداکاری‌های لازم و اقدامات مطلوب را برای این کار تدارک ببینند، قطعاً پیروزی به استقبال آنان خواهد آمد. متأسفانه امروز اگر نگاهی به جهان اسلام شود، چنان بنظر می‌رسد که تمام جهان اسلام دستخوش توطئه و دسیسه بسیار مخرب یهود و صهیونیسم شده است.

هر چند پرداختن به جزئیات این قضیه بسیار دشوار و از حوصله این مقاله بیرون است، اما یا نگاهی گذرا به اوضاع تاریخی و جهان اسلام و مسلمانان مطالبی چند جهت آگاهی بیشتر تقدیم می‌گردد.

مسیحیان اروپا در قرن یازدهم میلادی بیت‌المقدس را به تصرف خود در آوردند. بیت‌المقدس حدود نود سال تمام (۱۰۹۹-۱۱۸۷ م) در قبضه دشمنان بود. سلطان صلاح‌الدین ایوبی، در تاریخ ۲ اکتبر ۱۱۸۷ میلادی آن را از چنگال اروپائیان آزاد کرد. سلطان صلاح‌الدین ایوبی با حسن تدبیر و حکمت عملی خورش به ملوک‌الطوایفی و افتراق و اختلاف هشتصد ساله جهان اسلام خاتمه داد و این پیروزی بزرگ را بدست آورد.

امروز نیز جهان اسلام در معرض چنان اختلاف و افتراقی قرار دارد. دشمنان با تمام وجود درصدد هستند تا با جلوگیری از وجود یک مرکزیت مستحکم و پایدار، جهان اسلام را تکه پاره کنند. این سخن یک ادعای محض نیست برای اثبات آن دلایل بی‌شماری وجود دارد.

بعد از جنگ جهانی اول، بریتانیا و فرانسه با مکر و فریب توانستند خلافت عثمانی را به نابودی بکشانند و جهان عرب را به واحدهای کوچک جغرافیایی و سیاسی تقسیم کنند. یکی از فرماندهان<sup>(۱)</sup> ارتش بریتانیا

✓ مسئولیت

حفاظت و

حراست از

ملت، دین و

ایمان، رسالت

ما مسلمانان

است.



انسان از آن متأثر و اندوهگین شود وجود نخواهد داشت.

انسانی که غرق محبت و عشق الهی باشد حوادث و آفات را توجه و عنایت خالق و محبوب پنداشته عملاً در درون خویش لذت و حلاوت احساس می‌کند و از فرط محبت و لذت، فرصت توجه و تفکر بسوی خود حوادث و مصائب پیدا نخواهد کرد زیرا او نه اینکه تنها نعمت را نعمت می‌پندارد، بلکه مصیبت نیز برای او نعمت و سبب لذت است و در نتیجه از مصائب و پریشانی‌های زندگی رهایی می‌یابد. لذا آرامش، راحت و سکون قلب در اسباب ظاهری راحتی و آرامش نیست بلکه در ارتباط عمیق و تعلق قلبی مستحکم با مسبب اسباب است.

هیچ کنجی بی دد و بی دام نیست

جز بخلوت گاه حق آرام نیست

خلاصه‌ی بحث اینکه برای کسب و جلب آرامش و آسایش در زندگی دو راه حل وجود دارد اول اینکه از مصائب دل تنگ و مضطرب شده و از طریق اسباب به فکر از بین بردن و مبارزه با حوادث باشیم.

راه حل دوم این است که بوسیله ارتباط با مسبب اسباب و عشق الهی مصائب و مشکلات را توجه و عنایتی از سوی محبوب دانسته و از ته دل بر آن راضی و شیوه‌ی تسلیم و رضا را اختیار نماییم.

راه حل اول نظر و پیشنهاد فلاسفه و بندگان عقل است آنهایی که حتی برای لحظه‌ای از مصائب رهایی نیافتند نه خود مطمئن شدند و نه توانستند در دیگران اطمینان و آرامش ایجاد کنند، خود مبتلا و جهانی را نیز مبتلای مصائب و آلام کردند.

نتیجه‌اش این شد که آرامش و سکون برای همیشه از دنیا رخت بر بست، اسباب ظاهری راحتی و آسایش زیاد شد اما خود راحتی هرگز بدست نیامد.

راه حل دوم نظر و راهنمایی بندگان حق (انبیاء و اولیا) است، این گروه به جای اضطراب و دل‌تنگی از حوادث عالم، آنرا عنایت رب العالمین و منشأ حق پنداشته قلب هایشان آرامش گرفت و امواج متلاطم پریشانی و ناراحتی در درون آنها معنایی نداشت. آنان

خود مطمئن و منشخ و به جهانی نیز اطمینان و آرامش بخشیدند، لذا ناراحتی و پریشانی برای همیشه از زندگی آنها و پیروان آنها وداع گفت و راحت و شادکامی جایگزین آن گردید.

«الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لاهم یحزنون ○ الذین آمنوا و کانوا یتقون ○ لهم البشری فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة لا تبدل لکلمات الله ذلك هو الفوز العظیم»؛<sup>(۱)</sup> هان! بیگمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است) ○ (دوستان خداوند) کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند ○ برای آنان در دنیا (به هنگام مرگ) و در آخرت (در هنگامه‌ی رستاخیز) بشارت (به خوشبختی و نیکبختی) است. سخنان خدا (یعنی وعده‌هایی که خدا به پیغمبرانش مبنی بر پیروزی و بهروزی و سعادت دو جهان داده است) تخلف‌ناپذیر است. این (چیزی که در دنیا و آخرت بدانان مؤده داده می‌شود) رسیدن به آرزو و رستگاری بزرگی است.

حکایت شده که افلاطون از حضرت موسی علیه السلام پرسید اگر آسمان را کمان و مصائب و مشکلات را تیرهای آن کمان و خداوند را تیر انداز تصور کنیم، آنگاه راه گریز و نجات چه خواهد بود؟

اگر به عقل مراجعه کنیم جوابی جز مایوسی و ناامیدی نداریم چون هیچ راهی برای نجات بنظر نمی‌رسد زیرا انسان نمی‌تواند از دایره‌ی آسمان خارج شود و نه از احاطه‌ی خداوند عزوجل. بدون شک باید تیر مصائب اصابت کند ظاهراً راه حلی برای نجات وجود ندارد. اما انبیاء علیهم السلام نظر و توجه شان چون فلاسفه بر عقل محدود نیست که بوسیله‌ی آن راههای علم و عمل شان را نیز محدود کنند زیرا ارتباط آنها با خالق عقل است. پروردگاری که در کمالات و تصرفات خویش لامحدود است و این ارتباط نیز رابطه عشق و محبت است ارتباطی که اسراری فراتر از شش

✓ انسانی که  
غرق محبت و  
عشق الهی  
باشد حوادث و  
آفات را توجه و  
عنایت خالق و  
محبوب  
پنداشته عملاً  
در درون  
خویش لذت و  
حلاوت  
احساس می‌کند  
و از فرط محبت  
و لذت، فرصت  
توجه و تفکر  
بسوی خود  
حوادث و  
مصائب پیدا  
نخواهد کرد.



و نیم از عمر حکومت اسلامی سپری نشده بود که جنگ تحمیلی علیه ایران آغاز گردید.

نتایج منفی و خطرناک جنگ تحمیلی که در مجموع به ضرر تمام امت اسلامی انجامید بشرح زیر می باشد:

۱- مسأله فلسطین و بازپس گرفتن بیت المقدس که در ردیف مسائل مهم جهان اسلام بود، تحت الشعاع قرار گرفت.

۲- اسرائیل نفس راحتی کشید و خود را در امنیت می دید. مصر در نتیجه معاهده کمپ دیوید از عرصه جنگ بیرون رفته بود و رژیم اشغالگر از مرزهای شرقی هیچگونه تهدیدی را احساس نمی کرد.

۳- راکتور هسته ای عراق در اثنای جنگ تحمیلی توسط رژیم اشغالگر نابود گردید و جهان عرب از دسترسی به قدرت هسته ای حداقل در آینده نزدیک محروم شد.

۴- حدود یک میلیون انسان تلف شد و صدها هزار دیگر مصدوم و معلول شدند.

۵- بر اساس بعضی تخمین ها حدود چهار صد و شانزده میلیارد دلار صرف این جنگ شده است.

۶- قدرت های استکباری و استعماری همواره منافع خود را در چنین جنگ ها می بینند، زیرا اسلحه و مهمات نظامی از کار افتاده و زائد را، در چنین شرایطی به فریقین درگیر می فروشند و جلو خسارات احتمالی خود را می گیرند.

۷- نهضت تحریک مزاحمت فلسطین در لبنان به عنوان یک قدرت نظامی که می توانست تهدیدی برای رژیم اشغالگر باشد در سخت ترین شرایط بسر می برد. رژیم اشغالگر در سال ۱۹۸۲ م با ورود به بیروت نهضت آزادی فلسطین را وادار به ترک لبنان کرد. توان و قدرت رزمی مجاهدین دچار پراکندگی شد و عملاً تاثیر خود را از دست داد و از لبنان به تونس منتقل گردید.

در بیست سال گذشته شرایطی که افغانستان با آن مواجه بود بر همگان روشن است. مردم افغانستان از ضروریات اولیه زندگی محروم هستند. کودکان نیاز به شیر دارند. افلاس و بی کاری غوغا می کند و...

چه عنصر و عواملی در پشت پرده این شورش ها و جنگ های خانگی فعال است؟ چه نیروها و قدرت هایی و چه دست هایی برای نابودی افغانستان فعال بودند تمام مفسران و صاحب نظران سیاسی بر این نکته اتفاق دارند که کدخدای خود ساخته دنیا - آمریکا - اینجا نیز نقش خود را ایفا می کند و با زیرکی تمام و با توسل به

یک دوره رسمی به رژیم اشغالگر سفر کرد و در مسجدالاقصی نماز خواند. در سال ۱۹۷۹ م مصر و رژیم اشغالگر به سرپرستی امریکا معاهده صلحی را بنام معاهده «کمپ دیوید» امضا کردند. و بدین ترتیب وحدت اعراب را از بین برده و بزرگترین قدرت نظامی اعراب را از میدان جنگ بیرون راندند.

شاه فیصل (مرحوم) موضع بسیار مناسب و شدیدی را اختیار کرد. از دیدار با کسینجر خودداری کرد و گفت: «من می خواهم در مسجدالاقصی نماز بخوانم و این آرزوی قلبی من است. غیر از این موضوع پیرامون هیچ موضوعی دیگر گفتگو نمی کنم».

در سال ۱۹۷۵ م در لبنان میان مسیحیان و مجاهدین فلسطین درگیری شروع می شود. این درگیری ها منجر به طولانی ترین حوادث خونین و جنگ خانگی می شوند. و دورترین کشورهای عربی را یعنی مراکش و الجزایر را درگیر جنگ می کنند و در نتیجه قدرت نظامی دو کشور عربی علیه یکدیگر وارد جنگ می شوند.

در پی این توطئه مهمات نظامی دو کشور عربی از بین می رود و از سوی دیگر کشوری بنام جمهوری صحرا ابراز وجود می کند.

رژیم منحوس پهلوی که نوکر آمریکا بود، رژیم اشغالگر را به رسمیت شناخته بود. رژیم پهلوی در برابر عراق شورشیان گرد را حمایت می کرد و عراق نیز ناچار بود که از نهضت امام خمینی حمایت کند و حضرت امام را به عنوان پناهنده سیاسی در نجف اشرف پذیرفت و حضرت امام علیه السلام از آنجا نهضتش را علیه رژیم شاه تشدید کرد. جنگ و نزاع میان کشورهای اسلامی بویژه میان ایران و عراق به سود رژیم اشغالگر بود. رژیم عراق غافل از این نکته، آتش جنگ را بر افروخت. رژیم اشغالگر، نفس راحتی کشید؛ زیرا که دو قدرت بزرگ نظامی و اسلامی منطقه که می توانستند روزی موی دماغ رژیم اشغالگر شوند با هم درگیر شدند. شاه بعنوان ژاندارم آمریکا در منطقه انجام وظیفه می کرد. معاهده صلح ۱۹۷۵ م الجزایر در خصوص آروند رود میان عراق و ایران منعقد شود. آمریکا و رژیم اشغالگر در باطن از اجرای این قرارداد ناخرسند بودند زیرا سود خود را در این می دیدند که زمینه نزاع و جنگ میان ایران و عراق از بین نرود.

مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام انقلاب شکوهمند اسلامی را به پیروزی رسانیدند. هنوز یکسال

✓ من  
می خواهم در  
مسجدالاقصی  
نماز بخوانم و  
این آرزوی قلبی  
من است. غیر  
از این موضوع  
پیرامون هیچ  
موضوعی دیگر  
گفتگو نمی کنم



تعیش و رفاه‌طلبی و حرکت بسوی جهاد، برای سربلندی دین و خشنودی خدای عزوجل گام بردارید، خداوند هیچگونه تغییری در اوضاع شما به وجود نمی‌آورد.

اگر مسلمانان شیعه و سنی پاکستان که در اثر تحریک بیگانگان، بیگانگانی که دشمن قرآن و اسلام هستند نه تنها دشمن یک فریق، دست از برادرکشی بردارند، خطر تجزیه و از هم پاشیدن، سلامت ملی پاکستان را تهدید می‌کند و صهیونیست‌ها خود را در رسیدن به اهداف پلید موفق می‌دانند و در سایر کشورها که برادران شیعه و سنی در آنجا زندگی می‌کنند همین نقش را بازی خواهند کرد. خدای نخواستہ اگر مسلمانان شیعه و سنی در عربستان، ایران، عراق، کویت، لبنان، سوریه و... درگیر شوند و در اثر تحریک قدرت‌های اهریمنی توان خود را در برادرکشی صرف کنند، اندکی بیندیشید در چنین حالتی چه وضعیتی برای جهان اسلام و مسلمانان پیش خواهد آمد؟

این همه حوادث و رخدادها که بر شمرده شد، با نظم و ترتیب منطقی بوجود آمده‌اند که جای شک و تردید برای کسی باقی نمی‌ماند. دایر براینکه در پشت‌پرده توطئه، طراحی و سناریوی بسیار خطرناکی، اینها را تدارک دیده است. صهیونیست‌ها و قدرت‌های ضد اسلام دست بدست هم داده با چنان زیرکی و تیزهوشی این نقشه‌ها را کشیده‌اند که اگر خدای نخواستہ موفق از آب در بیایند، عواقب و نتایج بسیار خطرناکی را در پی خواهند داشت. مسلمانان هشیار باشند ریشه‌های این توطئه در اعماق تاریخ گره خورده است.

دشمنی یهود با اسلام و مسلمانان یک واقعیت است. از روزی که رسول اکرم ﷺ از بنی اسماعیل مبعوث شدند، آتش بغض و کینه در دل‌های یهود شعله‌ور است و در موقعیت‌های مختلف بر شدت آن افزوده شده، جهان اسلام را به خاکستر مبدل ساخته است. آنچه که امروز در فلسطین می‌گذرد مستندترین شاهد بر این مدعا است.

در گذشته و در حال نیز صهیونیسم همواره دست در دست نیروهای ضد اسلام داده و برای تضعیف جهان اسلام توطئه‌هایی طراحی نموده است. از قرن‌ها پیش آنان آرزوی محو مسجد الاقصی و تأسیس هیکل سلیمانی را در جای آن در دل‌ها می‌پروراندند. بعد از فتح خیبر و بیرون راندن بنو قریظه و بنو نظیر از مدینه منوره، یهود نسل در نسل در صدد این بودند که بار دیگر فاتحانه

پاکستان مقاصد شوم خود را جامه عمل می‌پوشاند؛ زیرا امریکا نگاه خود را به منابع طبیعی موجود در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی دوخته است و بهترین راه رسیدن به کشورهای آسیای میانه، عبور از سرزمین اسلامی افغانستان است.

نژادکشی مسلمانان در فیلیپین، فاقه کشی مسلمانان در صومالی و قتل‌عام مسلمانان توسط مسیحیان صومالیایی، وادار کردن عراق و کویت به جنگ و محاصره اقتصادی عراق، که زندگی توده مردم عراق را به دوزخ مبدل کرده است. بوسنی تنها کشور اسلامی در قاره اروپا است که سازمان ملل همواره با یکصد کشور دنیا آن را به رسمیت شناخته‌اند. اما چه ستمی بر مظلومان بوسنیایی نشده است؛ مسلمانان قتل‌عام شدند، نظامیان صرب آشکارا در اردوگاهها زنان و دختران مسلمان بوسنیایی را مورد تجاوز قرار دادند. کودکان و نوزادان مسلمان در اثر فقدان دارو و شیر، در زیر آسمان کیود و بدون سرپناه جان به جان آفرین سپردند. اما پرچم داران امن و انصاف و برابری و طرفداران حقوق بشر و جوامع جهانی و سازمان ملل برای پرهیز از ناخرسندی اربابان خود - آمریکا و بریتانیا - مهر سکوت بر لب زدند.

بعد از فرو پاشیدن شوروی در سال ۱۹۹۱ م بسیاری از جمهوری‌ها عضو اتحاد جماهیر شوروی، اعلام استقلال کردند. چچن که یکی از ایالت‌های ملحقه و مسلمان‌نشین بود، نیز اعلام آزادی کرد. این ایالت که جمعیت آن حدود یک میلیون و دویست هزار است و بیش از ۹۰٪ آن مسلمان تشکیل می‌دهند؛ روسیه آن را به رسمیت نشناخت و با تمام قوه قهریه خود بر این جمهوری کوچک و مسلمان‌نشین هجوم برد و در صدد برآمد تا آن را از صحنه هستی نابود سازد. و آن را برای همیشه در استعمار خود نگهدارد. این همه جنایت‌ها علیه مسلمانان انجام گرفته و در حال نیز انجام می‌گیرد. اما طرفداران حقوق بشر و دلدادگان آزادی مهر سکوت بر لب زده‌اند.

ای حکومت‌ها و ملت‌های مسلمان تا کی دست روی دست گذاشته منتظر این هستید که جوامع جهانی وابسته به آمریکا و انگلیس به داد شما برسند؟ خداوند می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»؛ تا خودتان برای ایجاد تحول (تحول باطن و توجه بسوی خداوند و باز آمدن از انحرافات و ترک

✓ پرچم داران

امن و انصاف و

برابری و

طرفداران

حقوق بشر و

جوامع جهانی و

سازمان ملل

برای پرهیز از

ناخرسندی

اربابان خود -

آمریکا و

بریتانیا - مهر

سکوت بر لب

زدند.



این تحول بسیار عظیم در تاریخ کشورهای اسلامی که تمام نتایج سیاسی این قرن را در خود جای داده است آثار آن حائز اهمیت بین‌المللی بزرگی است آری، تاریخ شاهد و گواه است از زمان سلطه انگلیس بر شبه قاره هند تا شکست ارتش سرخ در افغانستان، استکبار و دنیای غرب بخاطر استحکام پنجه استبداد خویش، بیش از ۶۰ شصت جنگ را علیه ملت‌های آزادی خواه تحمیل کرده است. هر چند که در این عرصه‌های نبرد جهان اسلام با هزیمت‌ها و شکست‌هایی مواجه شده است. اما در روند آزادیخواهی فرزندان اسلام نه تنها خللی وارد نشده است بلکه هر رویدادی بر عزم و اراده آهنین آنان افزوده است و ما نمونه بارز این حماسه آفرینی‌ها را امروز در سرزمین «ارض مقدس» شاهد هستیم.

اکنون این سؤال مطرح است که مسلمانان با تکیه بر چه نیرویی و با اعتماد بر چه افکار و اندیشه‌هایی توانستند مظهر چنین عزم بلند و همت والایی بشوند؟ آری این تنها نیروی ایمان و یقین است. این فکر، اراده و روحیه بلند از اسلام و ایمان واقعی نشأت گرفته است. این همان عزم و اراده‌یی است که بنا بر گفته قرآن برتری و تفوق مؤمنان را بیمه کرده است: «اتم الاعلون ان کتم مؤمنین»؛ پیروزی و برتری از آن شما است مشروط بر اینکه شما مؤمن واقعی باشید. بنا بر گفته علامه اقبال رحمته الله علیه:

آج بھی ہو جو براہیم سا ایمان پیدا  
آگ کر سکتی ہر انداز گلستان پیدا

یعنی اگر امروز ایمان ما مسلمانان مانند ایمان حضرت ابراهیم باشد، تمام آتش‌های افروخته دشمنان به سود ما خواهند انجامید.

آری تنها ایمان و یقین و عمل کردن به مقتضیات ایمانی و رسالت ملی است که می‌تواند ما را از منجلاب آتش‌ها نجات دهد.

﴿۱۰۰﴾

وارد مدینه شوند. این فاجعه دردناک برای همگان روشن است که در اواخر قرن گذشته، یهودی‌ها با توطئه و دسیسه سلطنت عثمانی را که سمبل وحدت مسلمانان بود از بین برده با کمک قدرت‌های استعمارگر اروپایی از زوایای مختلف کره‌ی ارضی وارد فلسطین شدند و با تصرف عدوانی خود فلسطین را اشغال کردند. آمریکا امروز جانشین استعمار اروپایی شده خود را مربی و پدرخوانده‌ی این فرزند نامشروع می‌داند. برنامه یهود فقط به تشکیل حکومت اسرائیل محدود نمی‌شود بلکه آنها می‌خواهند از ساحل دریای نیل تا فرات حکومت بزرگ یهود را تشکیل دهند و تمام جهان اسلام را در کنترل خود در آورند.

در چنین شرایط بحرانی وظیفه سازمان ملل است که جلوی تجاوزها را باید بگیرد اما سازمان ملل با ساختار و بافت فعلی قادر به انجام چنین وظیفه‌ای نیست زیرا تا تسلط آمریکا و بریتانیا در سایه حق تنسیخ یا تو برقرار است. این سازمان نمی‌تواند وظیفه خود را انجام دهد. جهان اسلام باید مشی تبعیضی و گزینشی سازمان ملل را با جدیت مورد مذاقه قرار بدهد و ترتیبی اندیشیده شود تا همان قدرت و کنترلی که تنها آمریکا دارد به جهان اسلام که بر یک سوم ارکان سازمان ملل مشتمل است نیز داده شود. تحقق این آرمان در صورتی ممکن است که دنیای اسلام اختلافات فیما بین را کنار گذاشته و مانند یک دیوار آهنین با عزم و اراده فولادین در برابر دشمن مقاومت نموده و به تمام و کمال به مقتضیات ایمان عمل کنند و ضرر و زیان یک فرد مسلمان یا یک کشور اسلامی را ضرر و زیان خود تلقی کنند و خود را مظهر عملی حدیث زیر قرار دهند: «المسلم اخو المسلم، المسلم للمسلم کالبنیان یشد بعضه بعضاً و المسلم للمسلم کاعضاء جسد واحد، اذا اشتکی بعضه اشتکی کله»؛ مسلمان برادر مسلمان است، مسلمان برای مسلمان مانند دیواری است که بخشی از آن، بخش دیگر آن را استحکام می‌بخشد. و مسلمان برای مسلمان، مانند اعضای جسد واحدی است که هرگاه عضوی از آن دچار ناراحتی شود، تمام بدن احساس ناراحتی می‌کند.

در دوران خاتمه جنگ جهانی دوم فقط چهار کشور اسلامی یعنی ترکیه، افغانستان، عربستان سعودی و یمن دارای استقلال بودند و در حال حاضر آمار کشورهای مستقل و آزاد اسلامی به ۵۷ کشور می‌رسد.

✓ آری تنها

ایمان و یقین و

عمل کردن به

مقتضیات

ایمانی و رسالت

ملی است که

می‌تواند ما را از

منجلاب

آتش‌ها نجات

دهد.